

## Sweden; Small State but Moral Superpower

Reza Rahmati\*

Assistant Professor, Department of Political Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

### Abstract

**Problem:** Sweden is considered as a small state in terms of its domain, surface area and extension, population, territorial extent and the grandeur of its military power; Sweden and other Nordic countries are states that do not rank as big states in terms of hard power components. However, a look at the role and influence of these governments at the international level has shown their great influence.

**Question:** The question that arises here is how, despite Sweden's small measure, this country has a great moral influence in the domestic, regional and international dimensions.

**Hypothesis:** The hypothesis of this research responding to this question is that; Swedish government, by playing a moral role at the international level, has been able to introduce itself as a moral superpower and makes influence the arrangements of international relations. This government takes a special position in many international conflicts and that position is a mediator. In the peacekeeping missions of the United Nations, both the forces of this government are stationed and it pays many budgets to carry out these missions.

**Findings:** In the human rights attempt that take place in developing countries, this government is considered among the supporters of women's movements and other human rights movements. Also, this government is considered to be a constant in the fight against climate changes. The image of Sweden is carved as a well-functioning utopia; Both in the outside world and among the Swedes themselves. The hospitality of the Swedes has caused the experience of Sweden to be painted as an extreme immigration policy and as an arrogance sign in other European countries (Sanandaji, 2021: 62).

**Analysis and Discussion:** "Neutrality has been an important part of Sweden's international brand identity" (Bjereld, 1994: 238). Sweden is free of military alliances. This means that "we do not agree on mutual defense guarantees and we ourselves are responsible for the defense of Sweden." On the other hand, the freedom of our military alliance does not create an obstacle; participating in international defense cooperation. In practice, Sweden's position has turned

\* R.rahmati@basu.ac.ir


**How to Cite:** Rahmati, R. (2023). Sweden; Small State but Moral Superpower. *State Studies*, 9(33), 75-112. doi: 10.22054/tssq.2023.71803.1374.

into non-commitment, and the public strongly supports its continuation, however, Sweden's political elites support NATO membership (Ydén, Berndtsson, & Petersson, 2019). This indicates the renaming of the idea of neutrality or non-commitment after the Cold War to respond to the demands of the international environment of the 21st century. However, the aspiration of neutrality in Sweden as well as in Finland is an issue that has changed according to the new security needs of these two governments. The Swedish brand of neutrality and non-commitment can be understood as human values and a basis for Sweden's self-perceived legitimacy to act in global affairs. These (non-commitment and neutrality) are two important concepts in political debates such as NATO membership debate (Simons, Manoilo, & Trunov, 2019).

Conclusion: Sweden's ethical motivations have led to the foreign policy behaviors formation and have sought policy-making results that characterize the more practical layers of this country's foreign policy. The role of feminist foreign policy, the moralism of foreign policy and Sweden's environmental policy are topics which can be mentioned. International relations have traditionally been introduced as the science of analyzing the relations of great powers. Basically, the rationalist mainstream of international relations pays attention to governments from the point of view of the size of power. However, some of the states are considered as small states in terms of the size of their military power, population, territory and other hard components of power, the Nordic states are included in this division of states. these governments, by accepting international roles, internal links with the international normative environment and assuming humanitarian duties, undertake missions that become brands in the world. have become international in humanitarian, feminist, immigration, peace-oriented, neutrality and non-commitment fields. Sweden is one of the leaders among the small Nordic countries. Sweden has created an image which corresponding "human rights government", "environmental government", "green government", "electronic government", "free government" with TV this image which has transmitted internationally. -Tarif", "feminist government", "peace-keeping government" and "immigrant-friendly government". However, although international commitments have been made for these roles of Sweden, there have also been damages; Among the contradictory policies of political parties in the country regarding the Swedish brand in some of these fields.

**Keywords:** Sweden, Nordic, Moral Superpower, Small State, Sociology of Ethics.

## سوئد؛ دولت کوچک اما ابرقدرت اخلاقی

رضا رحمتی  \* | استادیار علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

### چکیده

سوئد، به لحاظ اندازه، جمعیت، گسترده سرزمینی و اندازه قدرت نظامی به عنوان دولت کوچک تلقی می‌شود؛ سوئد و سایر نوردیک‌ها، دولت‌هایی هستند که به لحاظ مؤلفه‌های سخت قدرت، در رده‌بندی دولت‌های بزرگ قرار نمی‌گیرند. با این حال نگاهی به نقش و نفوذ این دولت‌ها در سطح بین‌المللی نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار زیاد آن‌ها بوده است. سؤالی که در اینجا به وجود می‌آید، این است که چگونه با وجود وضعیت کوچک بودگی سوئد، اما این کشور از تأثیرگذاری بسیار زیاد اخلاقی در بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است؟ فرضیه پژوهش در پاسخ به این سؤال این است که دولت سوئد با ایفای نقش اخلاقی در سطح بین‌المللی، توانسته است خود را به عنوان ابرقدرت اخلاقی معرفی کرده و ترتیبات روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد. این دولت در بسیاری از مخاصمات بین‌المللی، موقعیت ویژه‌ای را از آن خود می‌کند و آن موقعیت میانجی است. در مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل متحد، هم نیروهای این دولت مستقر است و هم بودجه‌های بسیاری را برای انجام این مأموریت‌ها پرداخت می‌کند. در مبارزات حقوق بشری که در کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد، این دولت جزو حامیان جنبش‌های زنان و سایر تحرکات حقوق بشری محسوب می‌شود. همچنین این دولت پای ثابت مبارزه با تغییرات اقلیمی محسوب می‌شود.

**واژگان کلیدی:** سوئد، نوردیک، ابرقدرت اخلاقی، دولت کوچک، جامعه‌شناسی اخلاق.

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و توسعه ایدئولوژی این انقلاب در محیط پیرامونی، برای تحلیل رفتار دولت‌ها صرفاً نمی‌توان از مسیرهای جریان اصلی و قرائت‌های همکاری‌جویانه لیبرال‌ها و نگاه نهادگرایان لیبرال استفاده کرد و حتی واقع‌گرایان نیز از تحلیل بسیاری از رفتارها عاجز هستند. برای نمونه برخی از دولت‌ها تمایل دارند خود را به‌عنوان «بازیگران هنجاری»<sup>۱</sup>، «بازیگران حقوق بشری»<sup>۲</sup>، کنشگران حل‌مخاصمه، «کنشگران غیر متعهد»<sup>۳</sup>، «بازیگران محیط زیستی»<sup>۴</sup>، «دولت‌های سبز»<sup>۵</sup> و... معرفی کنند؛ سوئد، دانمارک، آلمان، کانادا از جمله این بازیگران هستند. سوئد از جمله دولت‌هایی است که سیاست داخلی و خارجی خود را متناسب با تصویرسازی یک دولت اخلاقی طراحی کرده است. «کریستین اینگبریستن»<sup>۶</sup> استدلال کرده است که نه تنها سوئد، بلکه «اسکاندیناوی به‌عنوان یک ابرقدرت اخلاقی پدیدار شده است». اسکاندیناوی‌ها به‌عنوان «وجدان جامعه جهانی»، «مبتکران هنجاری در سیاست جهانی» و در نقش «شهروند خوب جهانی» عمل می‌کنند (Ingebriksen, 2006). «برای دولت‌های کوچک، داشتن فضیلت»<sup>۷</sup> در سیاست جهانی، استراتژیک است» (Ingebriksen, 2006). تحلیل اینگبریستن نکته جدیدی نیست. الدر و همکاران، در دهه ۱۹۸۰ اشاره کردند که «با یک غیرت انجیلی که به‌خوبی ریشه در سیاست واقعی»<sup>۸</sup> دارد، کشورهای نوردیک در گیر جستجو برای یک قدرت اخلاقی و از این حیث نیرویی شده‌اند که با آن می‌توانند بر رویدادهای پسا جنگ در جهت صلح تأثیر بگذارند» (Elder et al, 1982: 2008). سوئد تأثیر‌گذاری اخلاقی را در قالب سیاست‌های مهاجرپذیری دنبال می‌کند، در بعد منطقه‌ای با اتخاذ ترتیبات منطقه‌ای در جهت ایجاد

- 
1. Normal Actors
  2. Human Right Actors
  3. Non-Alignment Actors
  4. Environmental Actors
  5. Green States
  6. Christine Ingebriksen
  7. Virtuous
  8. Realpolitik

همکاری منطقه‌ای تلاش می‌کند دولت اخلاقی را به نمایش بگذارد و در بعد بین‌المللی با میانجیگری بین‌المللی، عزیمت سفیران صلح، استقرار پایتخت حل و فصل اختلافات بین‌المللی تلاش می‌کند ویژگی‌های *ابرقدرت اخلاقی سوئد* را بازنمایی کند. سؤالی که در اینجا به وجود می‌آید این است که چگونه با وجود وضعیت کوچک بودگی سوئد، اما این کشور از تأثیرگذاری بسیار زیاد اخلاقی در بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است؟ فرضیه پژوهش در پاسخ به این سؤال این است که دولت سوئد با بازی کردن نقش‌های اخلاقی در سطح بین‌المللی، توانسته است خود را به‌عنوان ابرقدرت اخلاقی معرفی کرده و ترتیبات روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهند. در این مقاله ابتدا با استفاده از پیشینه پژوهش به بررسی آثاری که در خصوص وضعیت اخلاقی سازی قدرت بین‌المللی وجود دارد، اشاره شده است، سپس با استفاده از ادبیات جامعه‌شناسی اخلاق در سیاست بین‌الملل به ظرفیت‌های هنجاری رفتار سیاست خارجی مثل شهرت‌جویی، عزت‌جویی، ابرقدرتی و... در رفتار سیاست خارجی توجه می‌شود. بعد از آن ریشه‌های اخلاقی دولت سازی اخلاقی سوئد بررسی شده و در نهایت معیارهای اخلاقی رفتار سیاست خارجی سوئد بررسی خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

در پیوند با موضوع این تحقیق، آثار به زبان فارسی نوشته نشده است. به‌طور کلی ادبیات مربوط به نقش دولت‌های کوچک در نظام بین‌الملل، کمتر مورد توجه بوده است. با این حال، توجه به آثار پیتر کتز نستیان در خصوص دولت کوچک به‌خصوص اثر دولت‌های کوچک در بازارهای جهانی که در آن در خصوص دولت‌های کوچک اروپایی تحقیق و پژوهش می‌کند (Katzenstein, 2015). یا در اثری دیگر تحت عنوان کورپوراتیسم و تغییر؛ اتریش و سوئیس، به مبانی تغییر رفتار دولت‌های کوچک توجه می‌کند (Katzenstein, 1987). همچنین «بالدور توره‌السن»، در نقش دولت‌های کوچک در اتحادیه اروپا، با تأکید بر ایده «کتز نستیان» در مورد دولت‌های کوچک‌تر در روابط بین‌الملل به بررسی ابعاد بازی سیاسی این دولت‌ها در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد (Thorhallsson, 2018). اثر درگیر

بالدور تورهالسن با نام دولت‌های کوچک و نظریه پناه: امور خارجی ایسلند، نیز بر اساس مطالعه موردی ایسلند به بررسی اندازه و نیازهای منحصربه‌فرد دولت‌های کوچک برای توضیح و پیش‌بینی وضعیت رفتار این دولت‌ها توجه می‌کند (Thorhallsson, 2019). همچنین کریستین اینگبریستن و همکاران در اثر دولت‌های کوچک در روابط بین‌الملل، بر توانایی طبیعی دولت‌های کوچک برای مقابله با قدرت‌های برتر، تکیه بر نهادهای داخلی مستحکم با «ایدئولوژی مشارکت اجتماعی» مشترک و تعیین دستور کار به‌عنوان هنجار اجتماعی مهم این دولت‌ها تأکید می‌کند (Ingebritsen et al, 2012). در میان آثار ترجمه‌شده یا تألیف شده به فارسی نیز، کتاب «سیاست و حکومت در اسکاندیناوی» (آرتز، ۱۴۰۰)، به جایگاه سوئد به‌عنوان ابرقدرت اخلاقی اشاره کرده است. همچنین مقاله «دولت‌های کوچک نوردیک؛ سیاست‌های امنیتی در پرتو گذارهای بین‌المللی» (رحمتی، ۱۴۰۱)، به بررسی گزینه‌های امنیتی دولت‌های کوچک نوردیک پرداخته است.

### چارچوب نظری: جامعه‌شناسی اخلاق در سیاست بین‌الملل

بررسی قدرت دولت‌ها با استفاده از مؤلفه‌های متعدد صورت می‌گیرد. در پارادایم روابط بین‌الملل، به‌ویژه در نظریه‌های رده اول<sup>۱</sup> و جریان اصلی<sup>۲</sup> روابط بین‌الملل مفهوم قدرت سخت<sup>۳</sup>، یا قدرت نظامی از اهمیت بسیار زیادی برای تعریف دامنه و اندازه قدرت برخوردار است. واقع‌گرایان معتقدند ویژگی اصلی قدرت، که عبارت است از «اعمال اراده یک دولت بر دولت دیگر»، موضوعی وابسته به متغیرهای فیزیکی قدرت است؛ قدرت، ماهیتاً برخاسته از تمایل بشر برای ایجاد امنیت در محیطی است که سرشار از «عدم قطعیت» است. در این پارادایم به‌واسطه ذات شرور انسان‌ها، دولت‌ها موجودیت‌هایی غیرقابل‌اعتماد هستند و بنابراین محیط بین‌الملل، عرصه همکاری و هماهنگی دولت‌ها نیست. دولت‌ها به‌واسطه داشتن عقلانیت، تلاش می‌کنند بیشترین میزان قدرت را به‌صورت انباشته دنبال کنند.

- 
1. First Order Theory
  2. Mainstream
  3. Hard Power

واقع گرایان با استفاده از نظریه‌ها و مسیرهایی شبیه به موازنه قدرت<sup>۱</sup>، بازدارندگی<sup>۲</sup>، اتحادها<sup>۳</sup> و کنترل تسلیحات<sup>۴</sup> تلاش می‌کنند در یک مسیر عقلایی، رفتار سایر بازیگران را تحت تأثیر قرار دهند (رحمتی، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۵۶). با این حال الزاماً نمی‌توان برای فهم قدرت و اندازه قدرت دولت‌ها در جامعه بین‌المللی، مؤلفه‌های سخت قدرت را مورد توجه قرار داد؛ به تعبیر بهتر قدرت را از چشم‌اندازهای دیگر نیز بایستی در نظر گرفت. شاید مهم‌ترین تلاش برای مفهوم‌پردازی غیرواقع‌گرایانه از قدرت را جوزف نای برای کاوش در مفهوم «قدرت نرم» انجام داده است.

### ساخت هنجاری واقعیت‌های اخلاقی

به‌منظور کمک به ابعاد نظری می‌توان از نظریه‌های هنجاری روابط بین‌الملل و آرای چکل و فینمور برای تشریح علل رفتار هنجاری کنشگران بین‌المللی استفاده کرد. چکل و فینمور برای بحث در خصوص ریشه‌های هنجاری رفتارهای بین‌المللی به فرآیندهای شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی توجه می‌کنند (Checkel, 2008). سازوکار مشخص گام نخست، یعنی ضرورت هنجار، تعقیب به‌وسیله کارگزاران هنجار است. در این مرحله هنجار به سطح کارگزار حرکت می‌کند. در این مرحله حجم بازیگران مربوطه هنجار را می‌پذیرند، ولی این حجم بر اساس ضرورت آن را می‌پذیرند، و نیاز منشأ پذیرش آن می‌شود. مرحله دوم، فرآیندی است که، طی آن هنجارها به‌صورت منشوری در سطح جامعه روانه می‌شوند، این مرحله، مرحله گسترش هنجار است که در آن هنجارها به‌صورت قواعد شکل گرفته‌اند، قواعد، انتظارات، بایدها و نبایدها تبدیل به رفتار کارگزاران می‌شود، قاعده جامعه‌پذیر می‌شود و یک سطح بالاتر به سمت جامعه (چه داخلی و چه بین‌المللی)، روانه می‌شوند. مرحله سوم، مرحله درونی شدن هنجار است. در این مرحله، قواعد، انتظارات، بایدها و نبایدها درونی شده، و این درونی شدن هنجارهای اخلاقی، یعنی تبدیل شدن هنجارهای اخلاقی به بخشی از هویت بازیگر، در این مرحله صورت می‌گیرد و این هنجار اخلاقی دیگر

- 
1. Balance of Power
  2. Deterrence
  3. Alliance
  4. Arms Control

صرفاً رفتار کنشگر نیست بلکه هنجار اخلاقی جزو هویت اخلاقی کنشگر است و خود را این‌گونه تعریف می‌کند و این تعریف توأم با «خط‌کشی» و «دگر بودگی» صورت می‌گیرد. بنابراین، اصول و ضرورت هنجارهای بین‌المللی، فرآیندهایی که از طریق آن هنجارها بر رفتارهای بازیگران تأثیر می‌گذارند، این‌که هنجارها مهم خواهند بود و تحت چه شرایطی عمل خواهند کرد، چه سیری را طی می‌کنند تا به هویت کنشگران تبدیل شوند و آنان را تحت‌الشعاع خود قرار دهند، مباحثی هستند که در مورد هنجارهای مطرح می‌شوند (Checkel, 1999, 2001, 2008). با ذکر مطالب فوق و با توجه به مباحث نظری و مفهومی در اینجا طی یک نمودار و در یک شمای کلی از نحوه تأثیرگذاری هویت یک کنشگر (و در اینجا سوئد) و تأثیری که این مقوله یعنی نگاه هویت کنشگر بر شکل‌دهی به زاویه نگاه اخلاقی آن دارد، پرداختیم و طی تصویر توضیح داده‌ایم که همین موضوع (هویت اخلاقی) ضرورت توجه به هنجارهای اخلاقی را به همراه دارد و متعاقب آن مسبب درونی سازی هنجارهای اخلاقی هست.

به‌منظور تحلیل رویکردهای عملی، دولت‌هایی که رفتار و سیاست خارجی خود را به‌صورت اخلاقی و توسعه محور تعریف می‌کنند (بیداله‌خانی، ۱۳۹۹: ۵۱-۷۸)، ضروری است شکل‌گیری جامعه‌شناختی آن را مورد توجه قرار دهیم. از منظر جامعه‌شناختی و بنا به نظر دورکیم، «مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی... . نظم، نتیجه‌ای غیرارادی است که از درون جامعه خودبه‌خود می‌جوشد... . آنچه حافظ نظم است، عنصری اخلاقی است». «مسئله درستی اخلاق» و «مسئله آزادی ارزش‌ها» ریشه‌های شکل‌گیری یک هنجار اخلاقی در جامعه‌شناسی اخلاقی محسوب می‌شوند. «در مسئله اول قضاوت اخلاقی مربوط به صدق و کذب پدیده‌های اجتماعی مربوط می‌شود و در مسئله دوم، جامعه‌شناسی در کل و جامعه‌شناسی اخلاق به‌طور خاص می‌تواند یا بایستی عاری از ارزش‌ها باشد. پرهیز از ارزش حداقل یک آزادی‌اندیشه‌ای است» (Abend, 2007: 88). «جانان اچ ترنر» (۲۰۱۰) در پاسخ به چیستی اخلاق، از منظر جامعه‌شناسی، بر آن است که در این‌باره یک تعریف و پاسخ روشن نداریم، اما اخلاق شامل چند عنصر به‌هم‌پیوسته است: (۱) کدهای اخلاقی عمومیت یافته برای تشخیص درست-غلط، خوب-بد و مناسب-



نامناسب، ۲) وجود تمایل عاطفی قوی به سوی این کدها، ۳) احساس رضایت و احساس شادمانی زمانی که خود و دیگران این کدها را رعایت می‌کنند، ۴) احساس تنفر از کسانی که این ایده‌های فرهنگی را زیر پا می‌گذارند، ۵) احساس مثبت و مشترک در میان کسانی که به این قواعد متعهد هستند. این پنج بعد اخلاقی همگی متغیر هستند: یعنی آن‌ها می‌توانند درجات متفاوتی داشته باشند و بنا به موقعیت اجتماعی و شکل‌بندی اجتماعی فرهنگی در این موقعیت‌ها می‌تواند بیشتر و کمتر باشند. از منظر جامعه‌شناختی باید گفت اخلاق در سطوح متفاوت ساختار فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. در سطح کلان در ارزش‌های درست-غلط، خوب-بد و مناسب-نامناسب ظهور می‌یابد که گاهی شکل ایدئولوژی هم پیدا می‌کند و در درون نهادهای جامعه مثل اقتصاد، خویشاوندی، سیاست، حقوق، دین و دیگر حوزه اجتماعی مطرح است (Turner, 2010: 125). گاهی اخلاق در یک جامعه، ریشه‌های سنتی دارد؛ به تعبیر بهتر، ریشه در سنت‌های فرهنگی و اجتماعی دارد که سبب شکل‌گیری نهادهای سیاسی و اقتصادی شده است. در چنین شرایطی اخلاق، پیوستاری اجتماعی است. در چنین وضعیتی، آنچه اهمیت دارد، مسئله درونی سازی هنجارهای اجتماعی است که این هنجارها، می‌توانند رویه‌های سیاسی و رفتاری را صورت‌بندی کنند. آنچه به زبان جامعه‌شناسی به‌عنوان اخلاق<sup>۱</sup> یا اخلاق اجتماعی شناخته می‌شود، همان چیزی است که تحت عنوان جامعه‌پذیری<sup>۲</sup> در فرآیند درونی شدن عقاید، ارزش‌ها و هنجارها و یگانگی فرد با فرهنگ و جامعه از آن بحث می‌شود. به‌طور خلاصه در بحث از فرهنگ، اخلاق اجتماعی به‌عنوان ارزش‌ها و قواعد رفتار در جامعه، موضوع بررسی قرار می‌گیرد. لذا این قواعد رفتار، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد، اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند و در جریان جامعه‌پذیری برای او درونی می‌شوند و به‌صورت جزئی از شخصیت او درمی‌آیند و در نهایت رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند و به‌عنوان اخلاق اجتماعی محسوب می‌شوند.

### تجلی هنجارهای اخلاقی در روابط بین‌الملل

تجلی هنجارهای اخلاقی به گسترده بین‌المللی را می‌توان در مفهوم «ابرقدرت اخلاقی» و «عزت/شهرت‌جویی» بازنمایی کرد. اگرچه تجلی رویکردهای هنجاری به محیط بین‌المللی را می‌توان به صورت متنوع مورد بررسی قرارداد، با این حال، در اینجا به دو بعد رفتار هنجاری برای تشریح رفتار دولت سوند در سطح بین‌المللی تمرکز می‌شود. نخست، هنجار ابرقدرت اخلاقی و دوم هنجار عزت/شهرت‌جویی.

#### هنجار ابرقدرت اخلاقی

مقوله اخلاق در روابط بین‌الملل از اهمیت بسیاری برای تعیین رفتارهای سیاست داخلی و خارجی دولت برخوردار است (Williams, 1923: 17-33). عنوان «ابرقدرت» اگرچه ایدئولوژیک، نامتوازن و پرمدعا است، با این حال در طول جنگ سرد، اغلب هر چیزی بود به جز اخلاقی. این عنوان، وضعیتی مادی را نمایندگی می‌کرد که حاصل جمع رفتار یارگیری دو دولت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی را تبلور می‌بخشید، حاصل جمعی که می‌توانست در میان حامیان هر یک از دو بلوک، الگوی سیاسی ارزنده‌ای را به‌ویژه برای دوره جنگ سرد معرفی کند. واژه ابرقدرت اخلاقی، که البته شباهت بسیار زیادی با ایده آلمانی گیسلند داشت، یک عنصر یا مؤلفه بسیار قوی اخلاقی محسوب می‌شد. ابرقدرت اخلاقی در واقع به‌عنوان یک الگویی دارای یک نقش طبیعی و ذاتی در جامعه بین‌المللی در نظر گرفته می‌شد که خود را متعهد به عمل کردن به‌عنوان یک راهنما برای سایر بازیگران در سیستم بین‌المللی می‌کرد و توسل به حقوق بین‌الملل به‌عنوان ابزاری کلیدی در رفتار او در نظر گرفته می‌شد و هم‌اکنون رو‌قابلیت تبلیغی بسیار زیادی به خود گرفته بود.

#### هنجار شهرت/عزت‌جویی

موضوع دیگر در بررسی ابعاد رفتار هنجاری بازیگران بین‌المللی، تجلی هنجار عزت/شهرت‌جویی است. در دهه نخست سده جدید، ادبیات نظری نوینی در روابط بین‌الملل برای تشریح رفتار بازیگران بین‌المللی مورد توجه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل قرار گرفت

که این ادبیات می‌توانست بخشی از رفتار آن‌ها را که با روش‌های قبلی قابل تحلیل نبود، مفهوم‌سازی کند. در بین متفکران روابط بین‌الملل، بررسی‌های ریچارد ند لیو<sup>۱</sup> در کتاب نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل، بیشترین نزدیکی را با مباحث مطرح‌شده در جامعه‌شناسی اخلاق داشته است. لیو در نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل با تأکید بر ابعاد هستی‌شناسی متمایز از ابعاد مادی گرایانه، بر عوامل روحانی توجه می‌کند. لیو با توجه به عنصر عزت، معتقد است که عزت به‌مرور تبدیل به هدف نهایی بازیگران در سطح بین‌المللی می‌شود و این ظرفیت را دارد تا رفتار بازیگران را راهنمایی کند. با مرور آراء لیو، می‌توان به محدودیت‌های متعدد رفتاری دست‌یافت: محدودیت ناشی از ابزار، محدودیت ناشی از قواعد و محدودیت در اهداف (Lebow, 2008: 149). ادبیات لیو در خصوص محدودیت‌ها، به‌طور خاص با محدودیت بر ابزارها قابل مشاهده است، منظور از محدودیت در ابزار این است که علی‌رغم این که بازیگر نسبت به شرایط توسل به برخی از ابزارها برای ایجاد منافع ملی خود، واقف است، با این حال از استفاده از آن‌ها پرهیز می‌کند. منظور از محدودیت حاصل از قواعد، ایجاد محدودیت بر خود با توافق بر سر زمان و مکان، محدودیت ناشی از مهمان‌نوازی (Lebow, 2008)، محدودیت ناشی از قراردادهای پیشین یا به‌عبارت‌دیگر وفای به عهد و درنهایت محدودیت ناشی از جوانمردی. درنهایت منظور از محدودیت در اهداف، در نظر گرفتن اهدافی غیر از اهداف متعارف. در این بستر، سلحشوری، جنگاوری، شجاعت، احیای اعتبار، عزت‌نفس و احترام، جای اهدافی شبیه به افزایش عمق استراتژیک برای کسب امنیت یا بقا را می‌گیرد (Lebow, 2008: 162-164). در ادبیات لیو، عنصر «منزلت جویی» از اهمیت بسیاری برخوردار است. لیو، معتقد است که در کنار انگیزه‌های مادی (منافع، ثروت، امنیت و بقا)، انگیزه‌های روحانی (منزلت و اعتبار) از اهمیت بسیار زیادی برای شکل‌دهی به نقش دولت‌ها برخوردار است. او حتی از مثال‌هایی استفاده می‌کند که «دولت‌ها، امنیت فیزیکی خود را فدای اعتبار و منزلت جویی می‌کنند». نمونه این عمل را می‌توان در بحران موشکی کوبا و در کنش‌ها و واکنش‌های خروش‌چف و

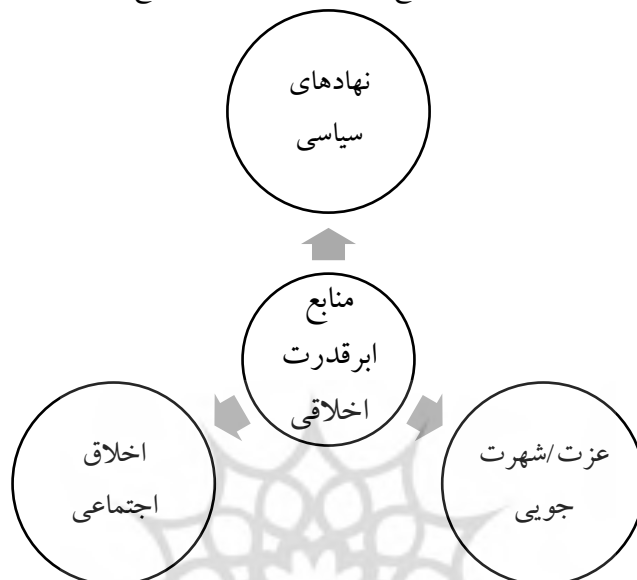
---

1. Richard Ned Lebow

کندی مشاهده کرد (Lebow, 2006: 431). در نظریه فرهنگی لیو، منزلت جویی و افتخار جویی، به‌عنوان دو ابزار انگیزه روحانی، معطوف به هدفی مهم هستند که آن هدف عزت‌نفس<sup>۱</sup> است که همین عزت‌نفس عامل مهمی برای شکل دادن به هویت بازیگر محسوب می‌شود (Lebow, 2008: 17). منزلت جویی، باحیثیت، اعتبار و شناسایی قابل تعریف است. شناسایی یک کنشگر در سطح بین‌المللی، به معنی پذیرش یا به رسمیت شناختن آن بازیگر توسط گروهی از دولت‌ها یا بازیگرانی است که در محیط گسترده بین‌المللی قرار دارند. مفهوم شناسایی با استفاده از تحسین، تقلید و اقناع صورت می‌گیرد. منظور از تحسین، تقلید و اقناع این است که یک کنشگر تمایل دارد خود را در وضعیت چسبندگی هویتی در یک «گروه‌بندی مشخصی» قرار دهد (Lebow, 2008: 15-19). لیو، بر آن است که ماهیت، رفتار و تنش‌های جهان، روحیه محور است. آنجا که لیو برای ارزیابی وضعیت یونان باستان از تأثیر عنصر «افتخار» به‌عنوان یک ارزش کلیدی استفاده می‌کند و دوره‌های هلنی و رومی را بر این اساس توضیح می‌دهد، وضعیتی است که می‌تواند عناصر غیرمادی و هویتی را در سیاست خارجی به‌خوبی تشریح کند. از نظر لیو، دولت‌ها دارای هویت‌های متعددی بر اساس نقش، وابستگی‌ها، کلیت و توده‌های (مردم و مناطق) و گذشته خود هستند (Lebow, 2017: xiii).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

شکل شماره (۱): منابع ابر قدرت جویی اخلاقی (منبع: نگارنده)



### جلوه‌های اخلاقی و روحانی بازیگران بین‌المللی

بر اساس رهیافت جامعه‌شناسی اخلاقی و نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل، بررسی انتخاب‌های دولت‌ها در محیط بین‌المللی، الزاماً با متغیرهای مادی یا قدرت سخت امکان‌پذیر نیست و برخی از رفتارها ریشه در هنجارهای اخلاقی محیط بین‌الملل، عزت جویی، منزلت جویی و اعتبار اخلاقی داشته و دارد. بنابراین قاعده، برخی بازیگران، هنجاری رفتار می‌کنند، برخی از بازیگران محیط زیستی، برخی حقوق بشری، برخی در راستای حل مخاصمه و به همین ترتیب رفتارهایی که الزاماً در چارچوب جریان اصلی روابط بین‌الملل قابل بحث و بررسی نیست. در زیر به نمونه‌هایی برای رفتار اخلاقی بازیگران در سطح بین‌المللی اشاره خواهد شد:

**بازیگران هنجاری؛** تلاش دولت‌ها برای ایجاد، تأسیس و تنظیم هنجارهای بین‌المللی از جمله ویژگی‌هایی است که برخی دولت‌ها به دنبال دست‌یابی به آن هستند. در واقع در اینجا هنجارها در وضعیتی بیناذهنی برساخته می‌شوند و از این طریق بازیگران بر محیط

بین‌المللی جدید تأثیر می‌گذارند. هنجارهایی شبیه به صلح، نظم، امنیت و ... از جمله این هنجارها محسوب می‌شوند. برای نمونه آلمانی‌ها در دوره مرکل، بازیگری هنجاری محسوب می‌شدند. نگاهی به اقداماتی که در زمان آنگلا مرکل ترتیب داده شد، می‌تواند این وضعیت را در آلمان نمایندگی کند؛ نمونه‌هایی شبیه به پذیرش پناهندگان (آلمان تنها در یک تابستان نیم میلیون مهاجر را پذیرفت)، اجتماعی سازی پناهنده‌پذیری، تلاش برای بهبود چهره آلمان و معرفی کشوری که فرسنگ‌ها با هولوکاست فاصله دارد، توجه به اولویت‌های محیط زیستی، مبارزه با گازهای گلخانه‌ای (که اعلام شده تا سال ۲۰۵۰ به کاهش ۹۵٪ خواهد رسید)، پیشگامی در سیاست‌های سبز، نخستین کشور صنعتی که به صنعت هسته‌ای پشت کرده است، برند سازی از آلمان به عنوان یک کشور حقوق بشری، صلح محور، اعطای وام‌های بسیار به کشورهای اروپای مدیترانه‌ای شبیه به ایتالیا، یونان و اسپانیا در بحبوحه بحران‌های اقتصادی و ... از جمله نمودهای اخلاقی سازی سیاست خارجی آلمان است (Pedraza & Heinrich, 2016).

بازیگران حقوق بشری؛ برخی بازیگران نیز با دنبال کردن نگاه حقوق بشری، به دنبال این هستند تا چهره بین‌المللی دولت را در جامعه بین‌المللی به عنوان چهره حقوق بشری، حقوق بشردوستانه، پاسدار حقوق زنان، پاسدار حقوق کودکان، حافظ حقوق رنگین‌پوست‌ها، اقلیت‌های مذهبی، دگر جنسان و سایر گروه‌های به حاشیه معرفی کنند. برای نمونه کانادا در دو دهه نخست هزاره جدید میلادی در تلاش بوده است تا خود را به عنوان یک «دولت حقوق بشری» معرفی کند. تلاش‌های کانادا در حوزه مسئولیت حمایت و مسئولیت‌ها و مداخلات بشردوستانه (King, 2017)، پیگیری سیاست توسعه پایدار<sup>۱</sup> (SDG)، کمک‌های بین‌المللی فمینیستی<sup>۲</sup> (FIAP)، حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه، سیاست حمایت و کمک‌های بین‌المللی و بشردوستانه<sup>۳</sup> (Canada's feminist international assistance policy, 2017).

---

1. Sustainable Development Goal  
2. Feminist International Assistance Policy

کنشگران حل مخاصمه؛ برخی بازیگران نیز با معرفی خود به عنوان بازیگران میانجی و حل مخاصمه، تلاش می کنند در وضعیت بحران های بین المللی شبیه به تنش های سرزمینی، تنش های قوم-ملی، مبارزات سیاسی، اختلافات بین المللی و...، به عنوان بازیگر بی طرف و میانجی رفتار کنند. برای نمونه دولت فنلاند تلاش کرده است تا با میانجی گری در اختلافاتی شبیه به منازعه فلسطین و اسرائیل، به عنوان بازیگر میانجی خود را مطرح کند.

کنشگران غیر متعهد؛ برخی بازیگران نیز با معرفی خود به عنوان بازیگران غیر متعهد، سیاست بی طرفی در زمان صلح و بی طرفی در زمان جنگ را پیشه می کنند و خود را از هر گونه منازعه و مخاصمه بین المللی دور می سازند. برای مثال سوئد و فنلاند در طول جنگ اول، دوره بین دو جنگ و جنگ جهانی دوم، استراتژی بی طرفی و عدم تعهد را پیش بردند. استراتژی بی طرفی در سوئد تاریخی چند صدساله دارد و این کشور در تاریخی نزدیک به ۲۰۰ سال با هیچ کشوری وارد جنگ نشده است.

بازیگران محیط زیستی؛ وجود شهرهای سبز، صنعت سبز، سوخت سبز، فناوری سبز و... به برخی از کشورها این امکان را داده است تا خود را به عنوان برندهای سبز معرفی کنند. داشتن چنین وضعیتی، برای این کشورها، موقعیت منحصر به فردی را به وجود آورده است که این موقعیت، این کشورها را در جایگاه برنده دولت ها و شهرهای سبز قرار داده است. برای مثال، دولت های نوردیک و از جمله دانمارک به عنوان یک دولت سبز، نقش وسیعی از سرمایه گذاری های سبز را به خود اختصاص داده اند. کشورهای نوردیک همواره جزء ۱۰ سبزترین کشورهای جهان بوده اند. دولت دانمارک و نروژ با وضع قوانینی، از توسعه صنعت آبی پرووری دریایی ممانعت به عمل آورده اند (Wardle, 2017: 4 and Engle and Stone, 2013: 263-264). در همین زمینه، تبدیل شدن به سبزترین شهرهای جهان جزء اهداف بلندمدتی است که شهرداری ها یا کمون ها در دانمارک و سوئد به دنبال دست یافتن به آن بوده اند. برای نمونه، در گروه بندی ده شهر جهان، کپنهاگ و استکهلم در رده های نخست بوده اند (Manczyk, 2018). برندینگ قابل سکونت ترین شهرهای جهان نیز از جمله همین گروه بندی ها است که کشورهای نوردیک برای رسیدن به آن تلاش می کنند

و همواره نام شهرهایی چون کپنهاگ، استکهلم و هلسینکی در جایگاه بالای چین گروه‌بندی‌هایی دیده می‌شود (رحمتی، ۱۳۹۸: ۲۲۹-۲۳۰).

### سوئد؛ دولت کوچک، ابرقدرت اخلاقی

دولت‌های نوردیک را به‌عنوان دولت‌های کوچک معرفی می‌کنند ( Rahmati, 2023: 11). سوئد از ظرفیت‌های اخلاقی برای تحت تأثیر قرار دادن برداشت‌های مخاطبان جهانی استفاده می‌کند تا محدودیت‌های ملموس خود که از منظر ظرفیت سخت (اندازه، جمعیت، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی) این کشور ایجاد شده است، جبران کند (Katzenstein, 1985). استفاده از این ظرفیت‌های اخلاقی توسط سوئد، تلاشی است به‌منظور استفاده از حوزه اطلاعاتی برای شکل دادن به حوزه شناختی جامعه جهانی که از طریق بازنمایی انگاره‌های ذهنی نسبت به حوزه فیزیکی صورت می‌گیرد تا این کشور بتواند در عرصه بین‌المللی از وزن (اندازه/توان/قدرت/جمعیت) خود بالاتر برود. باین‌حال، این امر تا حدی بر اجرای اجماع ملی برای ایجاد حس وحدت در این کشور نسبت به «سوئد به‌عنوان ابرقدرت اخلاقی» منتهی شده است (Arter, 2008: 539). بر همین اساس برای مدت زیادی است که تصویر بین‌المللی سوئد بر روی سیاست خارجی فعالانه و استثنا‌گرای این کشور ایجاد شده است. این تصویر به‌صورت گسترده‌ای در اطراف جهان حاصل شده بود؛ از استکهلم تا ویتنام گرفته تا نیکاراگوئه سان‌دینیس. با توجه به حمایت‌های پایدار سوئد، بین‌الملل‌گرایی چندوجهی سوئد این کشور را مستحق عنوان «ابرقدرت اخلاقی» در رقابت شدید با دیگر کشورها، مثلاً کانادا کرده است (Dahl, 2006: 895). برای تبیین جایگاه سوئد به‌عنوان یک ابرقدرت اخلاقی، ضروری است نخست به ریشه‌های جامعه‌شناختی اخلاق سوئدی‌ها اشاره شود و سپس با توجهی به محیط درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی که سوئد در آن بازیگری می‌کند سیاست خارجی سوئد، تحلیل شود.

### ریشه‌های جامعه‌شناختی اخلاق سوئدی‌ها



از منظری جامعه‌شناسانه، ریشه‌های رفتار اخلاقی اجتماعی سوئدی‌ها را باید در چند اصل اساسی جستجو کرد، ریشه‌هایی که به صورت پنهان و در نهان‌خانه ذهنیت سوئدی و از یک منظر جامعه‌شناسانه، ریشه دوانده است. این ریشه‌ها عبارت‌اند از ماریپیچ سکوت، دالان عقیده و بنیان ارزش‌های مشترک.

### ماریپیچ سکوت

برخی از این خوش‌بینی تحت عنوان «ماریپیچ سکوت»<sup>۱</sup> نیز یاد کرده‌اند. نظریه ماریپیچ سکوت، یک نظریه علوم سیاسی و ارتباطات جمعی است که توسط «الیزابت نوئل نیومن» ابداع شد. این نظریه بر آن است که «درک یک فرد از توزیع افکار عمومی بر تمایل آن فرد برای بیان عقاید سیاسی خود، تأثیر می‌گذارد... اغلب مردم، دوست ندارند به عنوان اقلیت دیده شوند و کمتر احتمال دارد که در چنین شرایطی به دلیل ترس از انزوای اجتماعی، نظر خود را بیان کنند» (Noelle-Neuman, 1984). در این فضا، شهروند سوئدی، به دلیل وضعیت ترس از فشار یا همراهی با افکار عمومی، مواضع اجتماعی اتخاذ می‌کند که الزاماً با زمینه‌های فردی و اجتماعی او هم‌خوانی ندارد. بنابراین مواضع اجتماعی نسبت به مهاجرت، الزاماً ممکن است ناشی از خواست و تمنای فردی نباشد؛ بلکه ممکن است در چارچوب ماریپیچ سکوت، و به عنوان یکی از مظاهر عدم انزوای اخلاقی و اجتماعی وی قابل تحلیل باشد.

### بنیان ارزش مشترک

ماریپیچ سکوت بدون فهم مفهوم سوئدی وُردِ گروند<sup>۲</sup> یعنی «بنیان ارزش مشترک»<sup>۳</sup> قابل فهم نیست. از نظر اولنیوس، وُردِ گروند عبارت است از «اصول اساسی یکی از چارچوب‌های مرجع مشترکی که همه مردم باید آن را درک کنند و بر اساس آن زندگی کنند» (Orlenius, 2010). این بنیان ارزش مشترک، ویژگی متمایز شدن موجودات انسانی را به

---

1. Spiral of silence  
2. Värdegrund  
3. Common Value Foundation

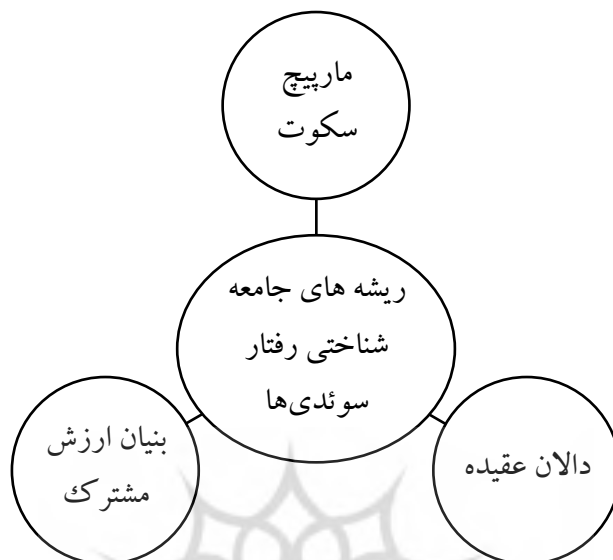
ویژگی کل گرایانه و تعریف جامعه گرایانه آن‌ها منتقل می‌کند. در اینجا سوئد<sup>۱</sup>، خانه مردم<sup>۲</sup>، اسوریچ<sup>۳</sup> جای انسان سوئدی را می‌گیرد، ارزش مشترک، جای ارزش‌های فردی و قائم به فرد را به خود می‌گیرد.

### مفهوم دالان عقیده

در سطح ملی، وُردِ گروند به‌عنوان مکانیسم کنترل اجتماعی و برای اجرای مارپیچ سکوت استفاده می‌شود که معادل سوئدی آن با نام *اوسیکس کوری‌دور*<sup>۴</sup> (یا دالان عقیده) (Johanssen, 2018: 60) شناخته می‌شود تا به یک «اجماع ملی»<sup>۵</sup> در مورد موضوعات کلیدی مؤثر بر جامعه و جهت‌گیری آن وادار شود. دالان عقیده این پدیده را در بر گرفته است که «برخی از نظرات به‌تنهایی بیان می‌شوند و کسانی که متفاوت فکر می‌کنند یا اجازه صحبت علنی را نمی‌دهند یا جرئت ابراز عقیده خود را ندارند» (Oscarsson, 2013). دالان عقیده به یک پدیده اجتماعی سیاسی اشاره دارد که در آغاز قرن بیست‌ویک در سوئد و تا حدی در نروژ مشاهده شده است. «هنریک اسکارسون»<sup>۶</sup>، استاد علوم سیاسی در دانشگاه گوتنبرگ، از این عبارت به‌عنوان استعاره‌ای برای محدودیت‌هایی که نسبت به مناظرات و بحث‌ها به وجود می‌آید، استفاده می‌کند. این مفهوم شبیه به مفهوم «پنجره»<sup>۷</sup> اورتون است. در حقیقت در این مفهوم، اورتون «سنجه متناسب ساز مکالمه سیاسی مشروع»<sup>۸</sup> را مورد توجه قرار می‌دهد. در این ادبیات، مطبوعات به‌صورت تلویحی مسائل را در قالب مسائل تحت اجماع گسترده، اختلافات مشروع و انحراف، گروه‌بندی می‌کنند (Oscarsson, 2013).

- 
1. Sweden
  2. People's Home
  3. Sverige
  4. åsiktskorridor
  5. National Cunsensus
  6. Henrik Oscarsson
  7. Window
  - 8 sliding scale of legitimate political conversation

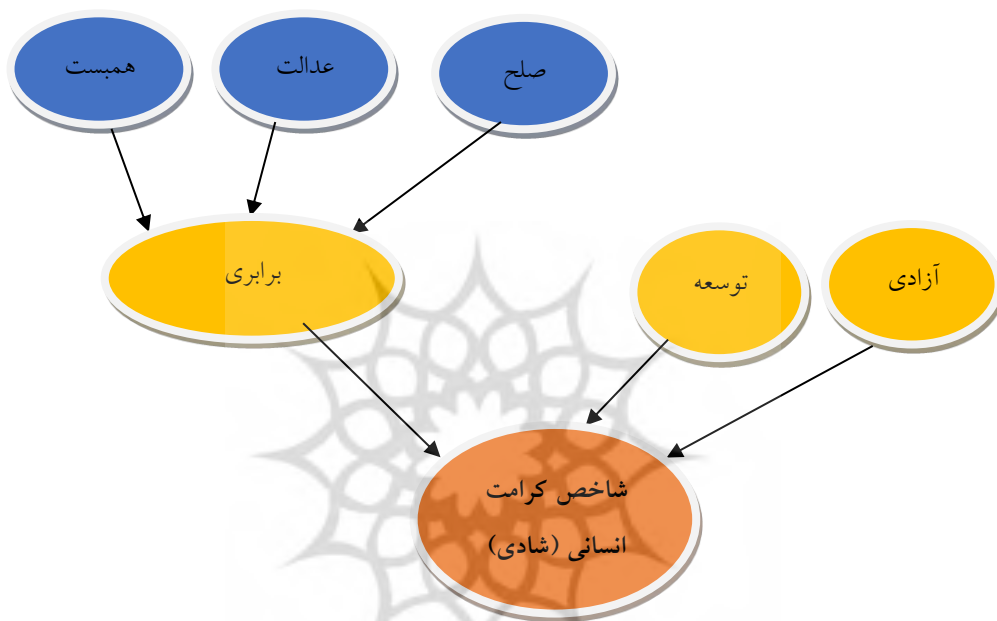
شکل شماره (۲): ریشه‌های جامعه‌شناختی رفتار سوئدی‌ها (منبع: نگارنده)



عوامل مؤثر بر رفتار سوئدی‌ها، به عوامل روان‌شناسانه، اخلاقی، محیطی و بین‌المللی قابل تقسیم هستند. در این بین نقش عوامل جامعه‌شناختی، حتی از این حیث که می‌تواند تغییرات شخصی را به خوبی تشریح کند، قابل توجه است. عوامل جامعه‌شناختی تحلیل‌های بیرونی و محیطی که جدای از متغیرهای فردی بر رفتار فرد تأثیرگذار هستند، را بررسی می‌کند. این عوامل چیرستی رفتار اجتماعی را بررسی کرده و کارکرد نیروهای اجتماعی را به‌دوراز انگیزه‌های فردی تحلیل می‌کنند. این عوامل نقش مهمی در انگیزه‌های درونی، منطقه‌ای و بیرونی سوئد بازنمایی می‌کنند. این که چطور رفتار شخصیت سوئدی قابل تحلیل است، به این موضوع برمی‌گردد که ریشه‌های جامعه‌شناختی این رفتارها تا چه حد بر رفتار سیاسی-اجتماعی آن‌ها حکم شده است. بنابراین با در نظر گرفتن ادبیات اخلاقی و همچنین با در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگ اخلاقی سوئدی‌ها، می‌توان انگیزه‌های اصلی ابر قدرت‌جویی اخلاقی سوئدی‌ها را به انگیزه‌های درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم کرد. برخی از این ویژگی‌ها را در قالب «درجه احترام به کرامت انسانی (که معادل شاخص

شادی در نظر گرفته می‌شود)» می‌توان صورت‌بندی مفهومی کرد. این شاخص برآمده از مؤلفه‌هایی همچون همبستگی، عدالت، صلح، برابری، آزادی، توسعه است که در قالب جدول زیر ترسیم شده است.

شکل شماره (۳): مؤلفه‌های شکل‌دهنده به شاخص کرامت انسانی (منبع: نگارنده)



بنابراین سیاست‌ها و نحوه حکمرانی اخلاقی و معیارهای ملموس در سطح داخلی در حوزه‌هایی چون؛ رفاه، اشتغال، درآمد، مشارکت سیاسی و مشارکت زنان، وضعیت سالمندان، گردش نخبگان، نظام حقوقی و به‌طورکلی در کرامت انسانی بر اساس شاخص‌های فوق قابل‌اندازه‌گیری است که داده‌های جدول مؤید آن است.

جدول شماره (۱): جایگاه سوئد در شاخص‌های شش‌گانه تشکیل‌دهنده کرامت انسانی

جایگاه سوئد در شاخص‌های شش‌گانه تشکیل‌دهنده کرامت انسانی						
شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص
همبستگی <sup>۱</sup>	عدالت <sup>۲</sup>	صلح <sup>۳</sup>	برابری <sup>۴</sup>	توسعه <sup>۵</sup>	آزادی <sup>۶</sup>	شاخص
۸۱.۱	۰.۸۶	۱.۵۶۴	۸۳.۹	۰.۹۴۵	۸۸۳	امتیاز
۲	۴	۲۶	۱	۷	۹	رتبه
۱۲۲	۱۴۰	۱۶۳	۱۰۰	۶۶	۱۶۵	تعداد کشورها

### انگیزه/فرآیند درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی اخلاقی سوئد

سیاست خارجی سوئد را از منظر جامعه‌شناسی اخلاقی و در بستر عزت جویی/شهرت‌جویی و ابر قدرت جویی می‌توان در قالب سه انگیزه/فرآیند اصلی درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار داد.

1. See: Intergenerational Solidarity Index, in: <https://www.romankrznic.com/good-ancestor/intergenerational-solidarity-index>

2 See: Countries Scored by Overall Score, in: <https://worldjusticeproject.org/rule-of-law-index/global/2022/Sweden/>

3 See: Global Peace Index (GPI), in:

<https://www.visionofhumanity.org/maps/#/%E2%80%B2>

۴. شاخص برابری جنسیتی به اتحادیه اروپا و کشورهای عضو امتیازی از ۱ تا ۱۰۰ می‌دهد. امتیاز ۱۰۰ به این معنی است که یک کشور به برابری کامل بین زنان و مردان رسیده است. سوئد با ۸۳.۹ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز در رتبه اول اتحادیه اروپا در شاخص برابری جنسیتی قرار دارد. امتیاز آن ۱۵.۹ امتیاز بالاتر از امتیاز اتحادیه اروپا است. از سال ۲۰۱۰، امتیاز سوئد ۳.۸ امتیاز افزایش یافته است اما رتبه آن تغییری نکرده است. از سال ۲۰۱۸، امتیاز و رتبه سوئد ثابت مانده است. شاخص برابری خود از شش حوزه تشکیل می‌شود: کار (با امتیاز ۸۳.۱)، پول (با امتیاز ۸۵.۴)، دانش (با امتیاز ۷۵.۲)، زمان (با امتیاز ۹۰.۱)، قدرت (با امتیاز ۸۴.۰۵)، سلامتی (با امتیاز ۹۴.۶). همان‌طور که مشخص است، سوئد در هر ۶ حوزه شاخص برابری در جایگاه متری قرار دارد.

See: Gender Equality Index, in: <https://eige.europa.eu/gender-equality-index/2022/SE>

5. See: Human Development Index-Sweden, in

<https://countryeconomy.com/hdi/sweden>

6 See: Freedom Index by Country 2023, in:

<https://worldpopulationreview.com/country-rankings/freedom-index-by-country>

## انگیزه‌های درونی عزت جویی/ابرقدرت اخلاقی

مهم‌ترین انگیزه داخلی عزت جویی/ابرقدرت اخلاقی سوئد را می‌توان، در گشاده‌رویی سوئدی‌ها نسبت به مهاجرین از یک سو و رویکرد چندفرهنگ‌گرایانه آن‌ها نسبت به جوامع غیر سوئدی از دیگر سو دنبال کرد. امروزه مهاجرت و همگرایی در بین مسائل سیاست‌گذاری است که از اولویت مهمی برای رأی‌دهندگان سوئدی برخوردارند و همین اولویت، سیاست خارجی این کشور را جهت‌دهی کرده است. تصویر سوئد به‌عنوان اتویایی با عملکرد خوب حک شده است؛ هم در جهان خارج و هم در بین خود سوئدی‌ها. مهمان‌نوازی سوئدی‌ها سبب شده است در دیگر کشورهای اروپایی، تجربه سوئد به‌عنوان یک سیاست مهاجرتی افراطی و به‌عنوان نشانه‌ای از خودپسندی ترسیم شود (Sanandaji, 2021: 62). علاوه بر این خوش‌بینی گسترده‌ای درباره چالش‌های پیش‌روی کشور در زمینه مهاجرت در بین سوئدی‌ها وجود دارد. با این حال، ظهور و بروز گروه‌های سیاسی جدید در ساخت سیاست در سوئد، سبب شده است که این کشور نسبت به مهاجرت از جهت‌گیری‌های سنتی خود که در ۵۰ سال گذشته آن‌ها را دنبال می‌کرده است، فاصله بگیرد. از جمله می‌توان به دموکرات‌های سوئدی (SD) و قدرت‌گیری آن‌ها در انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۲ اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل سیاست‌های ضد مهاجرتی محسوب می‌شوند.

## انگیزه حل‌مخاصمه

دولت‌های نوردیک را به‌عنوان کارگزاران حل‌مخاصمه<sup>۱</sup> نیز به‌شمار می‌آورند. چه تک‌تک مذاکره‌کنندگان و چه نیروهای مبارز، و بخش‌های حل‌مخاصمه، اغلب پایتخت‌های ملی، به‌عنوان بخشی از اقدامات بین‌المللی طراحی شده برای ایجاد صلح و امنیت، را ارائه داده‌اند. در سال‌های اخیر توسط جامعه جهانی نقش‌های حساس و پر‌نمایه‌ای برای اسکاندیناوی‌های برجسته، معین شده است. هانس بلیکس<sup>۲</sup> سوئدی به‌عنوان بازرس سلاح‌های سازمان ملل در

1. Conflict resolution agents

2. Hans Blix

عراق [در زمان] صدام حسین خدمت کرد و هیچ مدرکی در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی نیافت. نخست‌وزیر سابق سوئد کارل بیلدت به‌عنوان نمایندگی ارشد برای بوسنی و هرزگوین بین دسامبر سال ۱۹۹۵ و ژوئن سال ۱۹۹۷ فعالیت می‌کرد و بعد از آن از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۰ وی فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد برای بالکان بود. نیروهای اسکاندیناوی متعهد به حفظ وظایف صلح بین‌المللی تحت پرچم سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ناتو شدند و به‌ویژه فنلاندی‌ها و سوئدی‌ها، به‌عنوان اعضای جدید اتحادیه اروپا، اهمیت «مدیریت بحران» [یعنی] «وظایف پترزبورگ<sup>۱</sup>» را مطبوعاتی کردند. در طول دوره جنگ سرد، پایتخت‌های اسکاندیناوی مذاکراتی را، بین ابرقدرت‌ها، باهدف دستیابی به بازدارندگی پایدار<sup>۲</sup> ترتیب دادند. در حالی که به‌صورت نمادینی، زمانی که در سال ۱۹۹۳ نلسون ماندلا جایزه صلح نوبل<sup>۳</sup> را دریافت کرد، سخنرانی نخست وی پس از حبس طولانی در استکهلم ایراد شد (آرتز، ۱۴۰۰: ۵۳۸-۵۴۰).

### انگیزه/فرآیند بی‌طرفی و عدم تعهد

اگرچه بی‌طرفی در سوئد، یک سیاست امنیتی بر اساس انتخاب‌های عقلانی نخبگان سوئدی در طول یک دوره تاریخی نزدیک به ۲۰۰ ساله بوده است، با این حال، بی‌طرفی به بخشی از فرهنگ اجتماعی و اخلاق بین‌المللی این دولت تبدیل شده است. سوئد در نتیجه تجربیات منفی خود از جنگ‌ها و سرمایه‌گذاری‌های نظامی متعدد قرن ۱۸ و ۱۹ مجبور به تجدیدنظر در سیاست خارجی و نظامی خود شد و استراتژی‌ای را دنبال کرد که بین بی‌طرفی و عدم تعهد متفاوت بود. با این حال، این سیاستی است که در طول قرن‌ها آزمایش شده است، نمود بارز آن نیز جنگ جهانی دوم بوده است. برند بی‌طرفی و عدم تعهد سوئدی می‌تواند به‌عنوان ارزش‌های انسانی و مبنایی برای مشروعیت خود ادراک شده سوئد در جهت اقدام در امور جهانی درک شود. این‌ها (عدم تعهد و بی‌طرفی)، دو مفهوم مهم در بحث‌های سیاسی همچون بحث عضویت در ناتو هستند (Simons, Manoilo, & Trunov, 2019). درک

---

1. Peterberg tasks  
2. Lasting détente  
3. Nobel Peace Prize

سوئدی از سیاست بی‌طرفی به‌خوبی در سخنرانی اولاف پالمه در سال ۱۹۶۸ خلاصه‌شده است:

«سیاست بی‌طرفی سوئد را خودمان تصمیم می‌گیریم. معنای آن آزادی اتحاد در صلح باهدف بی‌طرفی در جنگ است. بنابراین، ما به اتحادهای نظامی نمی‌پیوندیم، به هیچ بلوک قدرت بزرگی نمی‌پیوندیم. بنابراین از طریق سرسختی و ثبات، باید اعتماد به نفس در توانایی خود برای حفظ مسیر اقدام انتخابی، اعتماد به اراده خود برای دور نشدن از فشار قدرت خارجی ایجاد کنیم. سیاست بی‌طرفی شامل پیگیری انزوا نیست. فرصت‌های ما برای تأثیرگذاری بر تحولات جهان اندک است. اما از تعهد ملت کوچک برای تلاش به‌منظور صلح و آشتی بین مردم، برای دموکراسی و عدالت اجتماعی نمی‌کاهد» (Palme, 1973). «بی‌طرفی بخش مهمی از هویت برند بین‌المللی سوئد بوده است» (Bjereld, 1994: 238). سوئد عاری از اتحاد نظامی است. در عمل، این موضع سوئد به عدم تعهد تبدیل شده است و عموم مردم نیز قویاً از ادامه آن حمایت می‌کنند، باین حال نخبگان سیاسی سوئد از عضویت در ناتو حمایت می‌کنند (Ydén, Berndtsson, & Petersson, 2019). این نشان‌دهنده تغییر نام ایده بی‌طرفی یا عدم تعهد پس از جنگ سرد برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های محیط بین‌الملل قرن بیست‌ویک است. باین حال، تمنای بی‌طرفی در سوئد و همچنین فنلاند، موضوعی است که متناسب با نیازهای جدید امنیتی این دو دولت تغییر یافته است.

سوئد و فنلاند تا سال ۱۹۹۵ که به اتحادیه اروپا پیوستند، از نظر سیاسی، بی‌طرف بودند. از آن زمان، آن‌ها را به‌درستی «غیر متعهد نظامی» قلمداد می‌کنند؛ دولت‌هایی که به هیچ اتحاد نظامی تعلق ندارند. باین حال، پس از حمله روسیه به اوکراین در ماه فوریه سال ۲۰۲۲، این دو کشور قصد خود را برای عضویت در ناتو اعلام کردند. پیوستن سوئد و (به‌ویژه) فنلاند به ناتو، سبب خواهد شد طول مرزهای مشترک ناتو و روسیه به دو برابر برسد؛ موضوعی که به‌صورت بالقوه ظرفیت ایجاد تهدیدات بلندمدت را ایجاد می‌کند و می‌تواند به‌سرعت منجر به جنگ هسته‌ای غیرقابل کنترل شود. طبیعتاً پیوستن این دو کشور به ناتو این



ظرفیت را دارد تا برند «اخلاقی»<sup>۱</sup> این دو بازیگر، خصوصاً سوئد، را تأثیر قرار دهد. پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو، ممکن است احساس روسیه در مورد تهدید را تشدید کند، روسیه را نسبت به استقرار سلاح‌های هسته‌ای در مرزهای فنلاند، تحریک کند و از ابزارهای نوین جنگ (از جمله حملات سایبری) علیه زیرساخت‌های این دو کشور نوردیک استفاده کند. از سوی دیگر عدم وابستگی به پیمان‌های نظامی بین‌المللی، برای دو کشور این وضعیت را به وجود آورده بود که اخلاق «عدم وابستگی حاکمیت ملی» را دنبال کنند؛ برای چند سده سوئد، تحت انقیاد هیچ پیمان یا ائتلاف بین‌المللی نبود و این موضوع ویژگی منحصر به فردی را به این دولت با توجه به «اخلاق حاکمیت ملی» داده بود. دولت سوئد تجلی اخلاقی «مفهوم دولت مستقل در اندیشه سیاسی غرب» بوده است؛ دولتی دارای «حاکمیت و اقتدار عالی» در قلمرو سرزمینی که بر آن حکمرانی می‌کند. در این بستر ناتو که اساساً یک اتحاد دفاعی بین دموکراسی‌ها است، با فراتر رفتن از مرزهای خود، خطر اقدام نظامی را در پی دارد که این خطر هم غیر محتاطانه و هم غیر اخلاقی است. برخی از متفکران روابط بین‌الملل نیز از منظری واقع‌گرایانه، البته با تسری نگاهی بدبینانه نسبت به توسعه‌طلبی ناتو ابراز نگرانی کرده‌اند. از این منظر ناتو «مقصر» است، چرا که روسیه در شرایط عدم الحاق این دو کشور به ناتو، از جانب فنلاند و سوئد احساس خطری نمی‌کرده و خطری نیز برای این دو کشور نداشته است. از سال ۱۹۹۱ که ناتو متعهد به نزدیک نشدن به مرزهای روسیه شده است، در یک دوره ۳۰ ساله، این اتحاد نظامی شمار اعضای خود را به دو برابر تبدیل کرده است. علاوه بر این، در سوئد و فنلاند این گزاره امنیتی در حال صورت‌بندی است که علت حمله روسیه به اوکراین، عدم در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای و برچیده شدن این تسلیحات در اوکراین بوده است، بنابراین در شرایطی که روسیه و فنلاند نیز همچون اوکراین بعد از هسته‌ای زدایی از تسلیحات هسته‌ای برخوردار نیستند، بایستی ذیل چتر هسته‌ای ناتو قرار گیرند. این توجیه امنیتی، اگرچه می‌تواند بخشی از منازعه روسیه-اوکراین را بررسی کند، در عین حال از تحلیل کلان‌تری که بر اساس آن علت جنگ روسیه علیه اوکراین، توسعه‌طلبی

1. "Moral" Brand

ناتو به شرق و به مرزهای روسیه است را به کلی نادیده می‌گیرد. علاوه بر این اصول امنیتی دولت‌های اخلاق‌مدار اسکاندیناوی را با معماهای بسیاری مواجه می‌کند (Murphy, 2022)

### انگیزه/فرآیند ابرقدرت بشردوستانه بین‌المللی

بی‌طرفی سوئد بدان معنا نیست که سوئد از روابط و امور بین‌الملل، به‌ویژه در دوران پس از جنگ جهانی دوم، جدا شده است. این موضوع را می‌توان در تلاش سوئد برای تعریف نقش خود در صحنه جهانی به‌عنوان یک «ابرقدرت بشردوستانه»<sup>۱</sup> و با دستور کار یک سیاست خارجی فمینیستی از طریق برقراری ارتباط با مخاطبان جهانی جست‌وجو کرد، موضوعی که سبب شکل‌گیری شهرت بین‌المللی شده است. پرسنل (غیرنظامی) اسکاندیناوی در طیفی از فعالیت (مدیریت بحران غیرنظامیان) بشردوستانه مشارکت کرده‌اند؛ یک نمونه می‌تواند درگیری دانمارک در پروژه‌های تصفیه<sup>۲</sup> آب سری‌لانکا<sup>۳</sup> باشد. سوئد نیز به‌عنوان متولی حقوق بشر و از منتقدان پرسروصدای نقض حقوق بشر در جای‌جای جهان تلقی می‌شود. در دهه ۱۹۶۰ سوئد در مخالفت خود با رژیم اسمیت<sup>۴</sup> در رودزیا<sup>۵</sup>، تعرض شوروی (پیمان ورشو) به چکسلواکی و در اوایل دهه ۱۹۷۰، نسبت به مداخله پیوسته ایالات متحده در ویتنام غوغا به پا کرد. سوئد به همراه همه دولت‌های نوردیک به استثنای فنلاند بازی‌های المپیک مسکو<sup>۶</sup> را در سال ۱۹۸۰ در اعتراض نسبت به مداخله شوروی در افغانستان تحریم کردند (آرتز، ۱۴۰۰: ۵۴۱-۵۴۰).

سوئد، در سطح بین‌المللی تلاش کرده است تا با ایجاد «برند سوئد»، خود را به‌عنوان یک ابرقدرت بشردوستانه تبدیل کند. این فرآیند با استفاده از قدرت تسری ارزش‌های بشردوستانه و نه الزاماً تسری منافع ملی در گستره بین‌المللی دنبال شده است. این موضوع این

- 
1. Humanitarian superpower
  2. Water purification projects
  3. Sri Lanka
  4. Smith regime
  5. Rhodesia
  6. Moscow Olympic Games

توان را به سوئد می‌دهد که این دولت کوچک اسکاندیناوی را به مرکز توجهات بین‌المللی تبدیل کند و سوئد را از یک «دولت خُرد»<sup>۱</sup> تبدیل به یک «دولت بین‌المللی»<sup>۲</sup> کند. «در راستای همین بین‌المللی سازی کشور بوده است که فردریک رینفلد، نخست‌وزیر اسبق سوئد از حزب راست میانه، سیاست حزب را به سمت جهت‌گیری مترقی‌تر ابرقدرت بشردوستانه (هیومنیتار استورمکت)<sup>۳</sup> سوق داد. البته این کارل بیلدت وزیر خارجه اسبق سوئد از حزب مودرات<sup>۴</sup> بود که از این واژه به‌عنوان بخشی از سیاست رسمی سوئد بهره برد» ( Simons and Manoilo, 2019).

نقش سوئد در نقاط مختلف جهان، هم‌راستا با وظایف بین‌المللی این کشور ترتیب داده شده است. از جمله وظایف بشردوستانه‌ای که سوئد در آن دخالت داشته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بالاترین میزان کمک‌های بین‌المللی سوئد، در سطح جهانی در سال ۲۰۱۰؛ پذیرش پناهندگان در طول جنگ جهانی دوم؛ تلاش‌های داگ هامرشولد برای تشکیل یک سازمان ملل متحد مستقل؛ فداکاری آلوا میردال<sup>۵</sup> برای صلح و حقوق زنان؛ محکومیت بمباران هانوی توسط ایالات متحده آمریکا به وسیله اولاف پالمه در ساله ۱۹۷۲؛ مشارکت در مأموریت‌های حفظ صلح ملل متحد از سال ۱۹۵۶؛ حمایت از مبارزه علیه رژیم آپارتاید زمانی که هیچ کشور دیگری این کار را نمی‌کرد ( Simons and Manoilo, 2019).

## نتایج سیاست‌گذارانه و دولت‌محورانه انگیزه‌های اخلاقی در سیاست خارجی سوئد

انگیزه‌های اخلاق‌مداری سوئد منجر به شکل‌گیری رفتارهای سیاست خارجی شده و نتایج سیاست‌گذارانه‌ای را به‌دوراز داشته است که لایه‌های کاربردی‌تر سیاست خارجی این کشور

- 
1. Micro State
  2. International State
  3. Humanitär stormakt
  4. Moderate
  5. Alva Mirdal

را رقم رده است. از جمله نقش سیاست خارجی فمینیستی، اخلاق‌گرایی سیاست خارجی و سیاست‌گذاری زیست‌محیطی سوئد موضوعاتی هستند که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

### سیاست‌گذاری خارجی فمینیستی

نتیجه عملی مبانی و استراتژی‌های اخلاقی در سوئد را باید در دستور کار «سیاست خارجی فمینیستی» این کشور دنبال کرد، این دستور کار به‌عنوان سیاست رسمی دولت سوئد از سال ۲۰۱۴ اعلام شده و سبب برند سازی از این کشور (بیداله‌خانی، ۱۳۹۶: ۷۵-۹۱) به‌عنوان یک ابرقدرت بشردوستانه شده است. اینک، گزاره‌هایی شبیه به «نخستین دولت فمینیستی جهان»، «نخستین کشوری که سیاست خارجی فمینیستی را طراحی و اجرا کرد»، در ادبیات کشورداری جملاتی متداول محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۱۵، حزب سوسیال‌دموکرات و حزب سبز ائتلافی تشکیل دادند و در سوئد به قدرت رسیدند و این کشور به نخستین کشوری در جهان تبدیل شد که یک دولت فمینیستی تشکیل داد. علاوه بر آن این دولت، «سیاست خارجی فمینیستی»<sup>۱</sup> را نیز اتخاذ کرد. عزم پشت این اعلامیه، تبدیل شدن به «قوی‌ترین» صدای برابری جنسیتی و اشتغال کامل حقوق بشر برای همه زنان و دختران، بود، زیرا مارگوت والس‌تروم، وزیر امور خارجه سابق سوئد، نماینده ویژه سابق سازمان ملل در امور خشونت جنسی در درگیری‌ها، این سیاست را آغاز کرد. وی معتقد بود که «زمان آن رسیده است که در سیاست خارجی کمی شجاع‌تر شویم ... این (FFP) در مورد ایستادگی در برابر تبعیض سیستماتیک و جهانی علیه زنان» و القای اصول جنسیتی و فمینیستی در تمام فعالیت‌های سوئد است (in Aggestam & Bergman-Rosamond, 2016: 323). به تعبیر والس‌تروم، FFP مبتنی بر سه R بوده است: نمایندگی<sup>۲</sup>، حقوق<sup>۳</sup> و تخصیص مجدد<sup>۴</sup>. به عبارت دیگر، سوئد به‌دوراز ترویج نمایندگی و مشارکت زنان در سیاست به‌طور کلی و در فرآیندهای صلح به‌طور خاص است. حمایت از حقوق زنان به‌عنوان حقوق بشر، از جمله حمایت از زنان

---

1. "feminist foreign policy" (FFP)

2. Representation

3. Rights

4. Reallocation

در برابر خشونت جنسی و جنسیتی؛ جزو دستور کارهای فمینیستی دولت سوئد است و هم از این رو به سمت توزیع عادلانه‌تر از نظر جنسیت حرکت می‌کند ( in Aggestam & Bergman-Rosamond, 2016: 325).

جدول شماره (۲): سیاست‌گذاری فمینیستی سوئد (IWDA, 2020).

سوئد	چارچوب	هدف	اهداف	عملکرد	پیامد و گزارش
از سال ۲۰۱۴	سه R، حقوق، نمایندگی، تخصیص مجدد	«کمک به برابری جنسیتی و بر خورداری کامل زنان و دختران از حقوق بشر»	شش هدف موضوعی: حقوق، خشونت، مشارکت سیاسی، WPS <sup>1</sup> ، WEE <sup>2</sup> ، SRHR <sup>3</sup>	داخلی و خارجی در سرتاسر سیاست خارجی. پیوندهایی به سیاست داخلی	تعهدات چندساله با برنامه‌های اقدام سالانه، چرخه سه‌ساله جاری (۲۰۱۹-۲۰۲۲)

رویکرد سوئد به‌عنوان نخستین کشوری که سیاست خارجی فمینیستی را اتخاذ کرد، مبنایی برای درک مفهوم سیاست خارجی فمینیستی بوده است. تعریف سوئد، در اصل متضمن تعهد به برابری جنسیتی به‌عنوان هدف اصلی سیاست خارجی و همچنین متعهد به اعمال لنز جنسیتی در تمام زمینه‌های کار و عملیات خود است. در واقع سیاست خارجی فمینیستی سوئد در چارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوطه در مورد حقوق بشر و برابری جنسیتی، از جمله کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۴</sup> (CEDAW)، اعلامیه جهانی

1. Women, Peace & Security (WPS)

2. Women's Economic Empowerment (WEE)

3. Sexual and reproductive health and rights (SRHR)

4. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women

حقوق بشر (UDHR). پلتفرم اقدام پکن<sup>۱</sup>، کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه<sup>۲</sup>، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در مورد صلح و امنیت زنان<sup>۳</sup> و دستور کار ۲۰۳۰ قرار گرفته است. سوئد از طریق تعهدات چندساله و برنامه‌های اقدام سالانه که جزئیات بیشتری را در مورد چگونگی عملیاتی شدن تعهدات ارائه می‌کند، عملیاتی می‌کند و از پیشرفت خود گزارش می‌دهد. در حال حاضر، اهداف در برنامه اقدام ۲۰۱۹-۲۰۲۲ به صورت موضوعی حول برخورداری از حقوق بشر، آزادی از خشونت، صلح و امنیت زنان، مشارکت و نفوذ سیاسی، حقوق اقتصادی و توانمندسازی و سلامت و حقوق جنسی و باروری سازمان‌دهی شده است (IWDA, 2020).

دستور کار سیاست خارجی فمینیستی سوئد، همراه با سیاست جهان‌وطن گرایانه این کشور بوده است (Swedish Foreign Action Plan for feminist foreign policy). این سیاست معتقد است «ما وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال همه انسان‌ها داریم که صرفاً بر اساس انسانیت خودمان است، بدون اشاره به قومیت، نژاد، جنسیت، فرهنگ، ملیت، وابستگی سیاسی، مذهب، محل تولد، موقعیت جغرافیایی، شهروندی دولت یا سایر ویژگی‌های مشترک» (Brown, 2011: 53). جهان‌وطنی به این معنا بود که خود را شهروند کل جهان بدانیم. ادعای ضمنی این بود که وفاداری فرد باید به «ما»ی بزرگ‌تر از دولت-شهر، اخلاق، ملت یا حتی امپراتوری محلی خود باشد» (Mendieta, 2009: 242). جستجوی دولت‌های نوردیک برای اقتدار اخلاقی در صحنه جهانی، در اهمیتی که آن‌ها در تحقق دستور کار فمینیستی قائل هستند، قابل بحث است. البته در برخی زمان‌ها با انتقاداتی همراه بوده است. بحران دیپلماتیک اخیر بین سوئد و عربستان سعودی به خوبی این معضل سیاسی را نشان می‌دهد. سوئد مدت‌ها به عربستان سعودی تسلیحات صادر کرده است. با این حال، در اوایل سال ۲۰۱۵، وزیر خارجه سوئد، انتقادات علنی علیه رژیم سعودی به دلیل سابقه ضعیف حقوق بشری و رفتار و احکام تند سعودی، از جمله حکم هزار ضربه شلاق و

- 
1. Beijing Platform for Action
  2. International Conference on Population and Development
  3. UN security council resolution 1325 on women peace and security
  4. 2030 Agenda

ده سال زندان برای رایف بدوی، وبلاگ نویس سعودی صادر کرد. والستروم این مجازات را قرون وسطایی توصیف کرد، که باعث اختلاف دیپلماتیک بزرگی بین دو طرف شد (Crouch, 2015). در ادامه علی‌رغم پیامدهای دیپلماتیک، دولت سوئد تصمیم به لغو قرارداد تسلیحاتی با عربستان سعودی گرفت؛ تصمیمی که به شدت مورد انتقاد بسیاری از شخصیت‌ها در بخش‌های مالی و دیپلماتیک سوئد شد. کار به جایی رسید که کارل بیلدت، وزیر خارجه سابق و دیپلمات ارشد سوئدی، استدلال کرد که لغو قرارداد تسلیحاتی سبب آسیب به شهرت و جایگاه بین‌المللی سوئد می‌شود (Taylor, 2015). اضافه بر این می‌توان به موضوع کاهش فقر جهانی نیز اشاره کرد. برای نمونه، در طول دوره دهه‌های متأخر جنگ سرد، اسکاندیناوی‌ها مفهوم یک «نظم اقتصادی بین‌المللی جدید»<sup>۱</sup> را ترویج کردند که شامل تساوی - یا دست کم کاهش قابل توجه شکاف در - استانداردهای زندگی بین جهان اول و سوم بوده است. وجود احزاب دموکراتیک مسیحی در پارلمان‌های نوردیک - و گه گاهی در حکومت‌ها - به پذیرش این هنجار کمک کرده است که حداقل ۰.۷ درصد از تولید ناخالص داخلی برای کمک به توسعه [این هدف] بودجه‌بندی شود (Arter, 2008). باین حال، دستور کار فمینیستی، مهم‌ترین دستور کاری است که می‌توان سیاست‌های جهان‌وطنانه را در آن مشاهده کرد.

### سیاست‌گذاری زیست‌محیطی

سوئد و سایر دولت‌های نوردیک به عنوان پیش‌قراول ابتکارات بین‌المللی در خصوص محیط‌زیست بوده‌اند و امروزه سعی دارند، خود را به عنوان «وجدان زیست‌محیطی» جهان به تصویر بکشند. در سال ۱۹۷۲ استکهلم کنفرانسی از سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست را برگزار کرد و پنج سال بعد، یک کمیسیون سازمان ملل متحد راجع به محیط‌زیست با رهبری نخست‌وزیر پیشین نروژ گرو هارلم برونلدن، در گزارش خود آینده مشترک ما، اصطلاح «توسعه پایدار»<sup>۲</sup> را ابداع کرد. فنلاندی‌ها در ارتقاء دادن یک استراتژی

---

1. 'New International Economic Order'

2. 'sustainable development'

محافظت از محیط‌زیست شمالگان<sup>۱</sup> فعال بوده‌اند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر، اسکاندیناوی‌ها اهمیت تلاش برای دستیابی به اهداف کیوتو<sup>۲</sup> به‌منظور کاهش گازهای گلخانه‌ای را جار زدند و از طریق عرصه‌های مختلف بین‌المللی برای اولویت‌بندی نیاز به مقابله با آلودگی دریای بالتیک کار کردند و بر طیفی از مسائل امنیتی زیست‌محیطی از جمله ذخیره‌سازی ایمن پسماندهای هسته‌ای اصرار ورزیده‌اند. به‌صورت معناداری، کپنهاگ دانمارک در سال ۲۰۰۹ میزبان «اجلاس آب و هوایی» سازمان ملل متحد بود (آرتز، ۱۴۰۰: ۵۴۱). در همین زمینه تبدیل‌شدن به سبزترین شهرهای جهان جزو اهداف بلندمدتی است که شهرداری‌ها یا کمون‌ها، در دانمارک و سوئد<sup>۳</sup> به دنبال دست یافتن به آن بوده‌اند. برای مثال در گروه‌بندی ده شهر سبز جهان، کپنهاگ و استکهلم جزو رده‌های اول بوده‌اند (internet source: The 10 Greenest Cities In The World, 2018). برندینگ قابل سکونت‌ترین شهرهای جهان نیز از جمله همین گروه‌بندی‌ها است که کشورهای نوردیک برای رسیدن به آن تلاش‌هایی می‌کنند و برای مثال در این گروه‌بندی‌ها، همیشه نام شهرهایی چون استکهلم، هلسینکی و کپنهاگ، دیده می‌شود. پروژه درگیر سازی حمایت از محیط‌زیست از فضای ملی، خارج‌شده و گستره جهانی به خود گرفته است. برای مثال کمپین شورش علیه انقراض (آتش‌سوزی در آمازون، اعتراض در کپنهاگ و استکهلم)، کمپین جمعه‌ها برای آینده، راهپیمایی‌های گسترده حامیان محیط‌زیست در کشورهای مختلف به حمایت از کمپین‌های شکل‌گرفته در نوردیک از آن جمله هستند (Rahmati, 2020: 147).

---

1. Arctic Environmental Protection Strategy

2. Kyoto targets

۳. این موضوع سبب شده است تا مطابق آنچه پیمایش‌های میدانی در مورد سوئد به‌دست آورده‌اند، تنها ۱٪ مردم سوئد، اقدام به پرتاب اشغال در محیط‌زیست کنند.



جدول شماره (۳): شاخص حفاظت محیط‌زیست<sup>۱</sup> (EPI, 2023)

تغییر ده سال اخیر	امتیاز شاخص حفاظت محیط‌زیست (EPI)	رتبه	ترکیب
۱۵۸۰	۷۲.۷۰	۵	EPI
۷.۵۰	۶۰.۶۰	۲۳	قدرت اکوسیستم

جدول شماره (۴): شاخص سلامت محیط‌زیست (EPI, 2023)

۴.۶۰	۹۳.۱۰	۳	شاخص سلامت
۵.۹۰	۹۴.۰۰	۲	کیفیت هوا
۱۰.۰	۱۰۰.۰	۱	ذرات معلق (PM2.5)
۰.۷۰	۱۰۰.۰	۱	سوخت جامد خانگی
۷.۶۰	۶۸.۵۰	۲۸	ازون

جدول شماره (۵): شاخص سیاست‌گذاری آب و هوایی (EPI, 2023)

۳۰.۹۰	۷۵.۴۰	۶	سیاست‌گذاری آب و هوایی
۳۰.۹۰	۷۵.۴۰	۶	تغییر آب و هوایی
۳۶.۵۰	۸۷.۲۰	۵	کربن دی‌اکسید <sup>۲</sup> (CO2)
۱۰.۴۰	۶۸.۵۰	۲۱	متان <sup>۳</sup> (CH4)

1. Environmental Protection Index (EPI)
2. Carbon dioxide (CO2)
3. Methane (CH4)

۳۶.۳۰	۹۶.۰۰	۸	نرخ رشد گازهای گلخانه‌ای فلئور دار <sup>۱</sup> (F-gases)
۱۰۰.۰۰	۱۰۰.۰۰	۱	نیترژن دی‌اکسید <sup>۲</sup> (NO <sub>2</sub> )
NA	۱۰۰.۰۰	۱	نرخ رشد کربن سیاه
۳۲.۶۰	۶۳.۸۰	۳۱	پروژه انتشار گازهای گلخانه‌ای <sup>۳</sup>
۱۴.۶۰	۵۶.۶۰	۵۵	کربن دی‌اکسید (CO <sub>2</sub> ) از پوشش زمین
۲۵.۷۰	۸۳.۴۰	۱۱	روند شدت گازهای گلخانه‌ای (GHG)
۶.۵۰	۴۰.۴۰	۱۱۳	سراجه گازهای گلخانه‌ای

### نتیجه

روابط بین‌الملل، به‌صورت سنتی به‌عنوان دانش تحلیل روابط قدرت‌های بزرگ، معرفی شده است. اصولاً جریان اصلی خردگرایی روابط بین‌الملل از منظر اندازه قدرت، دولت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. با این حال بخشی از دولت‌ها به لحاظ اندازه قدرت نظامی، جمعیتی، سرزمینی و سایر مؤلفه‌های سخت قدرت جزو دولت‌های کوچک محسوب می‌شوند، دولت‌های نوردیک در این تقسیم‌بندی از دولت‌ها قرار می‌گیرند، این دولت‌ها، با پذیرفتن نقش‌های بین‌المللی، پیوندهای داخلی با محیط‌های بین‌المللی و بر عهده گرفتن وظایف

1. Fluorinated greenhouse gases (F-gases)
2. Nitrogen dioxide (NO<sub>2</sub>)
3. Proj. GHG Emissions

بشردوستانه، رسالت‌هایی را بر عهده می‌گیرند که در جهان تبدیل شدن آن‌ها به برند بین‌المللی در زمینه‌های بشردوستانه، فمینیستی، مهاجرپذیری، صلح محوری، بی‌طرفی و عدم تعهد تبدیل شده‌اند. سوئد در بین دولت‌های کوچک نوردیک، جزو سرآمدان محسوب می‌شود. سوئد با تصویرسازی که از خود به سطح بین‌المللی مخابره کرده است، برداشتی را به وجود آورده است که متناظر با «دولت حقوق بشری»، «دولت محیط زیستی»، «دولت سبز»، «دولت الکترونیک»، «دولت بی‌طرف»، «دولت فمینیست»، «دولت حافظ صلح» و «دولت مهاجرپذیر» بوده است. با این حال، اگرچه برای این نقش‌های سوئد، تعهدات بین‌المللی به وجود آمده است، با این حال آسیب‌هایی نیز وجود داشته است؛ از جمله سیاست‌های متناقض احزاب سیاسی در کشور در خصوص برند سوئد در برخی از این زمینه‌ها است. برای مثال می‌توان به سیاست‌های حزب دموکرات‌های سوئد در خصوص مهاجرت و پناهندگان به‌عنوان رویه‌ای اشاره کرد که با سیاست‌های حزب سوسیال‌دموکرات ناهم‌خوانی دارد و این ظرفیت را دارد که تصویر سوئد به‌عنوان یک کشور مهاجرپذیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال تناقض‌ها و تضادهای بارزی نیز بین نظر و عمل در سیاست خارجی سوئد وجود دارد. برای مثال در حالی که سوئد کارگزار حل‌مخاصمه است، قصد سوئد برای ساخت یک کارخانه تسلیحات پیشرفته و صادرات تسلیحات به عربستان سعودی (حتی پس از قتل روزنامه‌نگار عربستانی جمال خاشقچی) که با ارزش‌های تئوریک سوئدی در تناقض بود، از جمله این موارد متناقض بوده است. دیگری به وضعیت مداخله سوئد در مأموریت ناتو در لیبی برمی‌گردد که با رویکرد سنتی بی‌طرفی ۲۰۰ ساله سوئد که همراه با صلح بوده است، در تناقض است (Simons and Manoilo, 2019)؛ موضوعی که می‌تواند جایگاه ابرقدرت اخلاقی سوئد را خدشه‌دار کند.

## References

- Arter, David (1400), Politics and Government in Scandinavia, translated by Reza Rahmati, Hamedan: Bu\_Ali Sina University Press. (In Persian)
- Canada's feminist international assistance policy [WWW Document], 2017. Government of Canada.

- Checkel, Jeffrey T. (-) "Social Constructivisms in Global and European Politics" A Review Essay.
- Checkel, Jeffrey T. (1999) "Social construction and integration", *Journal of European public Policy*, 6: 4, 545-560.
- Checkel, Jeffrey T. (2001) "Why Comply? Social Learning and European Identity Chang", *International Organization* 55, 3, Summer, pp. 553-588.
- Checkel, Jeffrey T. (2008) "Constructivism and Foreign Policy" In Steve Smith, Amelia Hadfield, *Foreign policy: Theories, Actors and Cases*, Oxford: Oxford University Press.
- Dahl, A.-S. (2006). Sweden: Once a Moral Superpower, always a Moral Superpower? *International Journal*, 61(4), 895-908. <https://doi.org/10.2307/40204222>.
- David Crouch, "Sweden's Foreign Minister Unrepentant over Saudi Flogging Row," *Guardian*, June 8, 2015.
- Elder, Neil, Alastair H. Thomas and David Arter (1982) *The Consensual Democracies?*
- Engle, Carole and Stone, Nathan (2013) "Competitiveness of U.S. Aquaculture within the Current U.S. Regulatory Framework", *Aquaculture Economics & Management* 17 (3), 251-280.
- EPI (2023) "Sweden", Available in: <https://epi.yale.edu/epi-results/2022/country/swe>
- Hajiani, Ebrahim (2013), *Sociology of Ethics (Analysis of the State of Social Ethics in Iranian Society)*, Tehran: Sociologists Publications. [In Persian]
- Greg Simons and Andrey Manoilo (2019), Sweden's self-perceived global role: Promises and contradictions, *Research in Globalization*, Volume 1. <https://doi.org/10.1016/j.resglo.2019.100008>.
- Ingebritsen, Christine (2006) *Scandinavia in World Politics*, Rowman and Littlefield: Lanham, MD.
- Ingebritsen, Christine and Iver Neumann, Sieglinde Gsth (2006), *Small States in International Relations*, Iceland University Press.
- Internet source: "11 Greenest Countries on Earth in 2019", (2019) visible at 11,27,2019 available in: <https://www.conserve-energy-future.com/greenest-countries-earth.php>
- IWDA (2020) "Feminist Foreign Policy In Practice Comparative Analysis Of Country Frameworks" Policy Brief, March 2020, available in: <https://iwda.org.au/assets/files/Comparative-analysis-of-feminist-foreign-policies.pdf>
- Jande, Per-Anders; Svensson, Anders (29 December 2014). "Från attefallshus till åsiktskorridor" (in Swedish). Språkrådet. Institutet för språk

och folkminnen. Archived from the original on 4 March 2016. Retrieved 20 December 2015.

Katzenstein, Peter J. (1985) *Small States in World Markets. Industrial Policy in Europe*, Cornell University Press: Ithaca, NY.

Katzenstein, Peter J. (1987), *Corporatism and Change: Austria, Switzerland, and the Politics of Industry*, London: Cornell University Press.

King, H., 2017. The erasure of Indigenous thought in foreign policy. *Open Canada*.

Manczyk, Ania (2018) "The 10 Greenest Cities in the World", <https://theculturetrip.com/europe/denmark/articles/the-10-greenest-cities-in-the-world/>

Rahmati, R. (2020). Nordic Securitization Model: Transition of Environment from securitizing to Normalizing. *Strategic Studies Quarterly*, 22(86), 123-150 (In Persian).

Murphy, James (2022) "The Ethics of Sweden and Finland Joining NATO" available in: <https://www.ethicsandinternationalaffairs.org/2022/the-ethics-of-sweden-and-finland-joining-nato/>.

Noelle-Neuman, E. (1984) *The spiral of silence: Public opinion—Our social skin*, University of Chicago Press, Chicago, IL.

Orlenius, K. (2010) *Värdegrunden - finns den?* (2. uppl. ed.), Liber, Stockholm.

Oscarsson, H. (2013), *Väljarna är inga dumbommar*, <https://www.henrikoscarsson.com/2013/12/valjare-ar-inga-dumbommar.html> (10 December 2013), Accessed 14th Oct 2019.

Palme, Olof (1973), "The World: Sweden's Olof Palme: Neutral but Not Silent" Monday, Jan. 29, 1973, Available in: <https://content.time.com/time/subscriber/article/0,33009,903763,00.html>

Pedraza, Lisdey Espinoza & Markus Heinrich (2016), *Germany: From Villain to Moral Example?* available in: <https://www.vocaleurope.eu/germany-from-villain-to-moral-example/>

Rahmati, Reza (2020), Nordic Securitization Model: Transition of Environment from securitizing to Normalizing. *Strategic Studies Quarterly*, 22(86), 123-150.

Richard N. Lebow (2008), *Cultural Theory of International Relations*, New York: Cambridge University Press.

Swedish Foreign Action Plan for feminist foreign policy 2015–2018 including focus areas for 2016, Government Offices of Sweden, Ministry for Foreign Affairs, [www.government.se/contentassets/b799e89a0e06493f86c63a561e869e91/action-plan-feminist-foreign-policy-2015-2018](http://www.government.se/contentassets/b799e89a0e06493f86c63a561e869e91/action-plan-feminist-foreign-policy-2015-2018).

Taylor, Adam, "Sweden's Subtly Radical 'Feminist' Foreign Policy is Causing a Stir," *Washington Post*, October 7, 2015.

- Rahmati, Reza (1401), "Nordic small states; Security policies in transitions of the international environment", Journal of Political-International Approaches. Under press. [In Persian]
- Thorhallsson, Baldur (2018), The Role of Small States in the European Union, Taylor & Francis Group.
- Thorhallsson, Baldur (2019), Small States and Shelter Theory: Iceland's External Affairs, London: Routledge.
- Turner, Janathan (2010), Natural Selection and Evolution of Morality in Huma Societies, in; Helthin Steven and Vaisey Stephen (2010), Hand Book of Sociology of Military, Springer.
- Wardle, Arthur R. (2017) Farming the Oceans: Opportunities and Regulatory Challenges for U.S. Marine Aquaculture Development, Reason Foundation Policy Brief 142.
- Williams, B. (1923). State Morality in International Relations. The American Political Science Review, 17(1), 17-33. <https://doi.org/10.2307/1943790>
- Ydén K, J. Berndtsson and M. Petersson (2019), Sweden and the issue of NATO membership: Exploring a public opinion paradox, Defence Studies, 19 (1) (2019), pp. 1-18. <https://doi.org/10.1080/14702436.2019.1568192>
- Asgarkhani, Abu Mohammad and Rehmati Reza (1389), "Theory of Realism and International Security", Foreign Policy Quarterly, Year 24, Number 1, pp. 139-156. [In Persian]
- (2017). The Nordic Council and international policy-making of National Imagery and branding; happiness window to the contemporary world. Strategic Studies of public policy, 7(22), 75-91. [In Persian]
- Abend, Gabriel (2007) Two Main Problems in the Sociology of Morality, Sociology Theory. 24 (1).
- Arter, David (2008), Scandinavian Politics Today, Manchester: Manchester University Press.
- Bjereld, U (1994), Neutralitet eller NATO-medlemskap, SOM-institutet Göteborgs Universitet, Göteborg (1994), pp. 237-245. Martin Robertson: Oxford.

استناد به این مقاله: رحمتی، رضا. (۱۴۰۲). سوئد؛ دولت کوچک اما ابر قدرت اخلاقی. دولت پژوهی، ۹(۳۳)، ۱۱۲-۱۱۳

doi: 10.22054/tssq.2023.71803.1374 .۷۵



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.